

آسیب‌شناسی تفسیر علمی با محوریت تفسیر پرتوی از قرآن

* علیرضا نوبری

** محمدعلی رضایی اصفهانی

چکیده

بیش از ۷۰۰ آیه قرآن به مسائل علمی نظیر: هستی‌شناسی، طبیعت‌شناسی و زیست‌شناسی اشاره دارد. مفسران اسلامی به منظور اثبات مباحث علمی قرآن، به تفسیر علمی قرآن روی آورده‌اند. با پیشرفت و رشد فزاینده علوم تجربی و تکنولوژی در عصر حاضر، گرایش به این نوع تفسیر نیز در سده اخیر رو به افزایش یافته است. تفسیر پرتوی از قرآن نوشته سید محمود طالقانی از جمله تفاسیری است که در مواردی، از این روش بهره برده است. این اثر گرچه شامل تفسیر بخش اندکی از قرآن بوده و دارای مزایا و ویژگی‌های قابل توجهی نظیر: توجه به آسیب‌های تفاسیر علمی و اعجاز علمی قرآن می‌باشد، اما در مواردی این اثر از نظر: مبنایی، روشی و محتوایی در زمینه تفسیر علمی آیات، نیازمند پیرایش و آسیب‌زدایی است.

واژگان کلیدی

پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تفسیر علمی، روش تفسیری.

*. دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. Shabe1355@yahoo.com

** دانشیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفیٰ (ع) العالمیه. rezaee@quransc.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

طرح مسئله

رویکرد به تفسیر علمی در میان مفسران و دانشمندان اسلامی از قرن دوم هجری، زمانی که نهضت ترجمه شکل گرفت، آغاز شد. متفکران اسلامی با هدف اثبات مباحث علمی قرآن و رسیدن به اعجاز علمی که نوعی اعجاز قرآن به‌شمار می‌آمد به این رویکرد و گرایش تفسیری روی آوردند. این گرایش تفسیری در سده اخیر بنا بر عللی همچون رشد فزاینده علوم تجربی و علاقمندی دانش‌پژوهان مسلمان به استخراج آموزه‌های علمی از منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم رو به فزونی نهاده است.

تفسیر علمی به علت عدم توجه به ضوابط و موازین صحیح، در مواردی باعث به وجود آمدن آسیب‌های روشی و مبنایی در این روش شده است.

تفسیر پرتوی از قرآن به قلم سید محمود طالقانی که در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ ارائه شده است، در مواردی از این روش بهره برده است. این تفسیر گرچه بخش اندکی از قرآن را شامل شده اما در زمان خود مورد استقبال دانشجویان و جوانان قرار گرفته است. با وجود مزایا و ویژگی‌های قابل توجه، در مواردی نیازمند پیرایش و آسیب‌شناسی در زمینه تفسیر آیات علمی است.

تحقیق پیش‌رو با هدف معرفی و زدودن آسیب‌ها در تفسیر آیات علمی این اثر گرانسنگ سامان یافته است.

معرفی تفسیر پرتوی از قرآن

مؤلف این تفسیر سید محمود طالقانی در سال ۱۳۲۹ق در یکی از روستاهای طالقان دیده به جهان گشود. وی ابتدا تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم آغاز و در ادامه جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت کرد و بعد از مدت شش سال بار دیگر به ایران بازگشت. وی به انگیزه احیای تفکر و اندیشه دینی پا به عرصه میدان مبارزه با استبداد و بیداری مسلمانان جهان به‌ویژه میهن خویش گذاشت. از این‌رو با عزمی راسخ عازم تهران شد و در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) به آموزش علوم اسلامی پرداخت. او که از مدت‌ها پیش درد جامعه

و مردم را احساس کرده بود و تنها راه نجات را در بازگشت به اسلام و قرآن می‌دانست، با برقراری جلسات تفسیر قرآن، در این مسیر قدم نهاد و رسالت عظیم خویش را به انجام رسانید. در این دوران تلاش ایشان بر این بوده است تا قرآن را وارد عرصه اجتماع کرده و در مسیر مبارزه علیه ظلم و جور به کار گیرد. خود در این باره می‌نویسد:

... شما را به خدا بیایید قرآن را از دست عمال اموات بیرون آوریم ... این کتاب حیات است کتاب حرکت، کتاب قدرت، کتاب هدایت، کتاب ایمان، به چه روزی در میان ما افتاده است؟! (طالقانی، ۱۳۴۸: ۱ / ۱۸)

تفسیر پرتوی از قرآن که نتیجه سال‌ها تدریس وی بود، در شش جلد به چاپ رسیده است و شامل تفسیر جزء سی و نیز تفسیر سوره‌های: حمد، بقره، آل عمران و بیست و هشت آیه نخست سوره نساء می‌شود. که با نگاهی تربیتی، اخلاقی و اجتماعی و در پاسخ به پرسش‌های نسل جدید و مسایل علمی مطرح در آن زمان به نگارش در آمده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲ / ۵۰۸)

وی درباره شیوه نگارش این تفسیر می‌نویسد:

نخست چند آیه به ردیف و شماره آورده شده، پس از آن ترجمه آیات به فارسی تطبیقی آمده، چنانکه از حدود معانی صحیح لغات خارج نباشد. سپس معانی مترادف و موارد استعمال و ریشه لغات در موارد لزوم بیان شده تا در ذهن خواننده مجال تفکر بیشتری باز شود. آنگاه آن چه از متن آیات مستقیماً بر ذهن تابیده بیان شده است. گاهی در موارد مقتضی از احادیث صحیح و نظرهای مفسران استفاده شده سپس در پیرامون آیات آن چه به فکر نگارنده رسیده و بر ذهنش پرتو افکننده، منعکس می‌گردد.

وی استفاده از این شیوه نگارش را به منظور ایجاد فضای مناسب برای تفکر خواننده و تبدیل ایمان تقلیدی به ایمانی کامل با پشتوانه تفکر و تحقیق معرفی می‌کند؛ خود می‌گوید:

... تا شاید خواننده خود، هرچه بیشتر به رموز هدایتی قرآن آشنا شود و ایمان تقلیدی به کمال تحقق رسد. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۱ / ۱۸)

نویسنده گرچه در این بیان، متذکر تبیین مباحث علمی آیات نشده، اما در موارد متعددی از تفسیر، به تبیین آیات توسط یافته‌ها و فرضیات علمی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا خواننده دریابد که میان قرآن و علم، تضاد و تناقضی وجود ندارد، مسئله‌ای که در آن سال‌ها مورد توجه جوانان تحصیل کرده قرار گرفت و باعث شکل‌گیری حرکت اصلاحی در بین اندیشمندان اسلامی گردید.

طالقانی در ارائه تفسیر خود به کاربرد ساختاری واژگان و نقش آهنگ آنها و هماهنگی آن با معانی و مقاصد آیه، توجه می‌کند و تلاش می‌کند تا معارف و مقاصد آیات را بر اساس این هماهنگی دریابد. (همان: ۳ / ۳) حتی در مواردی با هدف اثبات مطالب علمی آیات، از رابطه میان واژگان و آهنگ موجود در آنها و نوع چینش و معانی‌شان بهره می‌جوید. (همان: ۳ / ۱۷ - ۱۵)

نگارش این تفسیر در زمانی انجام گرفته که نویسنده در حبس رژیم سابق به سر می‌برد. خود این فضا را چنین توضیح می‌دهد:

خواننده عزیز، اگر در مطالب این مقدمه و قسمتی از کتاب اشتباه یا لغزشی یافتند، تذکر فرمایند و معذورم بدارید؛ زیرا در مدتی نگارش یافته که از همه‌جا منقطع بوده و به مدارک دسترسی ندارم و مانند ذره‌ای در میان قبر به سر می‌برم ... (همان: ۱ / ۲۲)

فضای نگارش تفسیر

آغاز فعالیت تفسیری طالقانی را باید بعد از شهریور ۱۳۲۰ دانست. ایشان خود در سخنرانی که به مناسبت شهادت استاد مطهری ایراد می‌کند، بیان می‌دارد که میان سال‌های ۱۳۱۸ - تا ۱۳۲۰ - از قم به تهران آمده و درس تفسیر را آغاز کرده است. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۳۰)

مخاطبان تفسیر وی در این دوران اغلب متشکل از دانشجویان و دیگر جوانان علاقمند بود (همان: ۳۳۰) وی جلسات پرسش و پاسخی را طی مدت سی‌ماه در مسجد هدایت تهران برگزار کرد که تعداد زیادی از جوانان تحصیل کرده در آن حضور می‌یافتند. (همان: ۳۳۲) با توجه به مخاطبان ویژه با رتبه‌های مختلف علمی و وجود افکار متنوع و از سویی پذیرش تئوری‌های علمی آن روز مانند: تئوری داروین از طرف دانشجویان، می‌توان نتیجه گرفت که

دانشمندان اسلام‌شناس از جمله طالقانی با پرسش‌هایی در حوزه علم و دین مواجه بوده‌اند. این مواجهه همراه با رویکرد اصلاح‌طلبانه دانشمندان اسلامی در عرصه امور اجتماعی و سیاسی آن دوران باعث شد مباحث تفسیری به سمت ارائه نظرگاه قرآن در مورد مطالب علمی مطرح در فضای جامعه آن روز و مباحث اجتماعی - سیاسی سوق داده شود. این مطلب با توجه به انعکاس قابل توجه مباحث علمی اعم از طبیعی و انسانی در تفاسیر آن دوره از جمله پرتوی از قرآن قابل اثبات است.

آسیب‌شناسی تفاسیر علمی

در بررسی و مراجعه به تفاسیر علمی به دست می‌آید کسانی که این‌گونه تفاسیر را نوشته‌اند از روش و تبیین یکسانی تبعیت نکرده‌اند.

رویکرد تفسیر علمی دارای مبانی ویژه‌ای است. برخی از مفسران با اتخاذ مبانی غیر قابل دفاع، باعث پدید آمدن آسیب‌های جدی در فهم قرآن و تفسیر آن شده‌اند، برخی نیز با انتخاب روشی نامناسب در تفسیر علمی دچار افراط در تبیین آیات توسط یافته‌های علمی شده‌اند، گروهی نیز با وجود انتخاب روش و مبنای مناسب در مقام عمل دچار اشتباه شده و به خطا رفته‌اند.

با این بیان در یک تقسیم‌بندی، آسیب‌های تفسیر علمی به سه دسته: مبنایی، روشی و محتوایی تقسیم می‌شود: (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱ / ۴۷۲ - ۴۶۶)

۱. آسیب‌های مبنایی

گرچه مفسران اغلب به بیان مبانی خود در تفسیر نپرداخته‌اند اما با دقت در تفسیر و بررسی نگاشته‌های آنان می‌توان به مبانی مفسر دست یافت. برخی از این مبانی عامل ایجاد چالش‌هایی در فهم و تفسیر آیه شده است؛ تعمیم نابجا در یکی بودن کتاب تکوین و تشریح، مطلق‌انگاری علم، تعمیم صلاحیت علم در تفسیر آیات هستی‌شناسانه - مبنا قرار گرفتن علم در تفسیر آیات غیبی - و ... از جمله مبانی آسیب‌زا هستند.

برخی صاحبان تفسیر علمی به‌ویژه در دوران نخست رویکرد به تفسیر علمی بدون در نظر گرفتن ساحت‌های خاص زندگی، به تعمیم قواعد آن به دیگر ساحت‌های هستی‌شناسی اقدام کرده‌اند، مانند: همانندنگاری محبت و روابط عاطفی انسانی با پیوندهای ملکولی و ... (طنطاوی، بی‌تا: ۱ / ۱۱۲ - ۱۱۰؛ ۲ / ۵۵ - ۵۴؛ ۱۷ / ۳۵ - ۳۴) از طرفی مطلق دانستن علم و نگاه خوش‌بینانه به تئوری‌های علمی، در مواردی مفسران را بر آن داشته تا آیات قرآن را با این دست از نظریات اثبات نشده، تطبیق دهند. این در حالی است که این تئوری‌ها در حال تغییر و تبدیل هستند. (نوفل، ۱۳۹۳: ۱۶۷ - ۱۶۳)

مبنای سوم موجب شده است تا در برخی تفاسیر به انکار امور نامحسوس یا تطبیق بدون دلیل مانند: تطبیق جن به میکروب صورت پذیرد؛ این امر باعث شده است تبیین‌های مادی در ساحت‌های فرامادی راه یافته و موجب انکار آنها شود.

۲. آسیب‌های روشی

از دیگر آسیب‌ها در تفسیر علمی آسیب‌های روشی است. برخی صاحب‌نظران سه روش فرعی در تفسیر علمی معرفی کرده‌اند که دو روش مردود و یک روش مورد پذیرش واقع شده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۸۰ - ۲۷۸)

روش‌های مردود، که خود بازتاب عدم توجه به سیاق آیات، (همو، ۱۳۸۵: ۱۰۴ و ۲۸۳) عدم توجه به استعمال واژگان قرآن، (عمر ابوحجر، ۱۴۱۱: ۳۷۰) عدم توجه به مقصد آیه و هدف تفسیر - پرداختن به مطالب بی‌ربط ذیل آیات - (نفیسی، ۱۳۷۹: ۱۵۶ - ۱۳۴؛ ۳۰۹ - ۲۸۱) و برخورد گزینشی با دیدگاه‌های علمی و آیات قرآن می‌باشد؛ عبارتند از: استخراج همه علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن کریم و روش پذیرفته شده که منتج به نتایج علمی و صحیح در تفسیر علمی می‌گردد و به نام استخدام علوم و قوانین اثبات شده برای فهم بهتر آیات نامیده شده است.

۳. آسیب‌های محتوایی

برخی مفسران گرچه در انتخاب روش و مبنا راه صواب را طی کرده‌اند اما در تفسیر و

پرداختن به تبیین آیات علمی به خطا رفته‌اند؛ این خطا ممکن است از جهت تفسیر آیه و یا از جهت فهم یافته‌های علمی رخ دهد؛ به دیگر بیان عدم دلالت عبارت قرآنی بر معنای مورد نظر و یا تطبیق نظریات اثبات نشده علوم بر آیات، موجب آسیب‌های مذکور شده است. (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱ / ۴۷۶)

مزایا و آسیب‌ها در تفسیر پرتوی از قرآن

گرچه مفسر محترم هنگام بیان روش خود در تفسیر سخنی از استفاده علوم در تبیین آیات به میان نیاورده، اما با مراجعه به تفسیر، به دست می‌آید که در بسیاری از موارد برای تبیین مراد خداوند از نظریات علوم بهره جسته است. استفاده ایشان را در این زمینه در دو محور مزایا و آسیب‌ها ارزیابی می‌کنیم:

یک. مزایای تفسیر

۱. توجه به آسیب‌های تفاسیر علمی

مفسر در قسمت‌هایی از تفسیر نسبت به علم‌زدگی برخی از مفسران علمی انتقاد و تطبیق موارد اعجاز انبیا را با مسائل مادی مورد نقد قرار می‌دهد. وی در این باره می‌نویسد:

یکی از دانشمندان - سرسید احمد خان هندی - آیاتی را که در این باره است؛ در سوره‌های: بقره، طه و شعرا؛ با هم مقایسه نموده و وضع جغرافیایی قدیم شمال بحر احمر را در نظر گرفته، چنین می‌گوید که موسی بنی‌اسرائیل را از مغرب و از شمال بحر احمر که در آن زمان دریای کم عمقی بود در هنگام جزر عبور داد، فرعون غافل با سپاه و ارباب‌های جنگی‌اش همین که به آنجا رسید و خواست شتابان بگذرد ناگهان دریا به حالت مد درآمد و غرقشان ساخت. اگر هم این توجیه در مورد این مورد درست آید دیگر خارق‌عاداتی که به دست این مردان الهی اجرا شده و در قرآن آمده به این‌گونه توجیهات، درست در نمی‌آید. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۱ / ۱۵۵)

وی گرچه توجیه بالا را به‌طور ضمنی درباره چگونگی گذر از دریا می‌پذیرد اما تسری این‌گونه توجیهات را در موارد دیگر از معجزات انبیا مردود دانسته و متذکر می‌شود که نباید معجزات طرح شده در قرآن را توجیه مادی نمود.

۲. توجه به اعجاز علمی

از دیگر موارد مثبت مباحث علمی در تفسیر مذکور باید به توجه و سعی نویسنده در اثبات اعجاز علمی در ذیل برخی از آیات اشاره کرد. البته تذکر این نکته خالی از لطف نیست که اثبات اعجاز علمی مبتنی بر این است که مفهوم اعجاز بتواند شامل مباحث علمی قرآن نیز بشود. در این باره گرچه بسیاری از محققان علوم قرآنی نگاهی خوش بینانه دارند ولی برخی نیز آن را مورد تردید قرار داده‌اند. (نصیری، ۱۳۸۶: ۱۷) صاحب تفسیر پرتوی از قرآن در ذیل آیه ۱۳ سوره نبا بعد از توضیح مفردات آیه می‌نویسد:

با دقت در معانی وهاج^۱ معلوم می‌شود که این لغت مرادف با وقاد نیست که فقط مفید فروزندی و منشأ پرتو و حرارت باشد، بلکه بیش از آن وهاج مفید انتشار خواص و آثار دیگر است. مجموع این معانی فقط درباره خورشید صدق می‌کند که سرشار از نور حرارت و انرژی است ... با توجه به این کشفیات و در نظر گرفتن جمله کوتاه «سراجا وهاجا» می‌توان به اعجاز علمی قرآن در این توصیف و بیان حقیقت آشنا شد. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۵ / ۱۶ - ۱۵)

دو. آسیب‌های علمی تفسیر

با وجود نکات مثبت فراوان در این تفسیر باید اذعان کرد که در بخش‌هایی از تفسیر با پذیرش تئوری‌های اثبات نشده مانند: تئوری داروین و عدم وجود هفت آسمان و همچنین پذیرش مباحث آفرینش اولیه از معارف کتاب مقدس و اموری از این دست اقدام به تطبیق یا تفسیر آیات کرده است. در ذیل پاره‌ای از این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. انتخاب مبانی اثبات نشده

برخی از مباحث تفسیر بر اساس پذیرش مبانی اثبات نشده در حوزه علوم یا تاریخ ادیان - که در کتاب مقدس وجود دارد - سامان یافته است.

نمونه اول؛ در جایی از تفسیر با پذیرش این پیش فرض که گناه یا ترک اولی حضرت آدم علیه السلام بر اثر دخالت همسر وی بوده، اقدام به تفسیر آیه نموده و می‌نویسد:

۱. ایشان وهاج را «در گرفتن آتش، تالو و انتشار نور و حرارت و پراکندگی بوی خوش» معنا می‌کند.

آدم سربلند را با آن عقل و فطرت مجذوب به حق و جمال عالم و تجلی ملکوت، تنها وسوسه شیطان نمی‌توانست او را به جهت واپسین متوجه کند و خاطرش را معطوف گرداند، مگر با نفوذ در روح حساس زن و تهییج عواطف او اندیشه تأمل بقا و نگرانی از آینده مبهم و جستجوی از علت نهی را نخست در فکر زن برانگیخت آنگاه با هم عطف توجه آدم را جلب نمودند تا محیط اطمینان و آسایش را بر هم زدند و وضع را دگرگون کردند. (همان: ۱ / ۱۲۹)

بررسی و نقد

این تبیین و توجیه لغزش حضرت آدم علیه السلام در حالی است که:

۱. آیات متعدد قرآن سخن از فریفته شدن آدم و حوا همزمان توسط ابلیس سخن به میان می‌آورد. (بقره / ۳۶؛ اعراف / ۲۷ - ۲۰)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ
عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ. (بقره / ۳۶)

۲. در مواردی نیز متعلق وسوسه تنها حضرت آدم علیه السلام معرفی شده است.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ.
(طه / ۱۲۰)

۳. مسئله دخالت حوا در فریفته شدن آدم به وسوسه ابلیس مطلبی است که در تورات به آن تصریح شده است.

آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: میوه این درخت دلپذیر، می‌تواند خوش طعم باشد، پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم داد و او نیز خورد. (تورات، پیدایش، ۳ / ۷ - ۱)

نمونه دوم؛ مفسر محترم در موارد بسیاری از تفسیر با پذیرش نظریه داروین، یا اقدام به توجیه این دیدگاه می‌کند و یا بدون ذکر هرگونه توجیهی آیات را بر آن حمل می‌کند.

ایشان در جایی از کلام خود، بعد از ذکر دو نظریه ترانسفورمیسم^۱ و فیکسیسم به توجیه دیدگاه نخست پرداخته و بدون ارائه دلیل مناسب، آیه را بر آن حمل می‌کند. چنانکه در این باره می‌نویسد:

این دو نظر درباره چگونگی پیدایش انواع در مقابل هم قرار گرفته که با غرض دیگری می‌توان میان دو نظر را جمع نمود؛ که در فواصل تکامل تدریجی جهش‌ها و تکامل‌های ناگهانی پیش آمده باشد. بنابراین هم نظریه تکامل که قرائن بسیاری دارد درست می‌آید و هم از زحمت جستجوی بیهوده حلقه‌های وسط محققین راحت می‌شوند. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۱ / ۱۱۴)

همان‌طور که پیداست ایشان با طرح جهش‌های ژنتیکی به دنبال ترمیم و تصحیح نظریه تکامل بوده و بر این باور است که با این توجیه ده‌ها پرسش و ابهام موجود در مسئله مذکور پاسخ داده می‌شود. وی با همین اعتقاد در پاره‌ای موارد سخن خود را تکرار می‌کند و مسئله تکامل را طرح و آیات را بر اساس آن تفسیر می‌کند.

نظریه جهش‌گرایی یا موتاسیون^۲ در ذیل نظریه تکامل از طرف برخی زیست‌شناسان مطرح شده است ولی دانشمندان دیگر نقدهایی بر آن وارد کرده‌اند. (کالاتری، ۱۳۸۹: ۱۵)

ایشان در ذیل آیه «و ما انزل الله من السماء من ماء...» (بقره / ۱۶۲) می‌نویسد:

تعبیرات خاص این آیه از ابهام «ما انزل الله» و بیان «من ماء» که اشعار بر آبی خاص و ناشناخته دارد و افعال ماضی - انزل، احیا و بث - گویا خبر از اولین ماده‌ای است که در جو - السماء - تکوین یافته و به صورت آبی بر زمین نازل شده، منشأ حیات گردیده. لغت بث پراکنده‌گی از منشأ را می‌رساند «من کل دابه» در جای «کل دابه» دلالت بر بعضی از انواع کلی دارد. به این ترتیب که پس از پراکنده شدن از مبدأ و منشأ جمعی از هر نوعی نمونه‌هایی برآمده و همان منشأ انواع کامل‌تر گردیده است؛ والله اعلم. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۲ / ۳۳)

همان‌طور که از عبارت فوق به دست می‌آید مرحوم طالقانی با پذیرش نظریه داروین - با توجه به تبیین خاص - به دنبال تبیین دلالت آیه بر اساس آن تئوری می‌باشد. ایشان آب را

1. Transformism.
2. Mutation.

در آیه به همان ماده نخستین تفسیر می‌کند درحالی‌که منظور از ماده نخستین ماده‌ای است که همه مخلوقات از آسمان، زمین و جو آن و هر آنچه در آنهاست از آن آفریده شده است اما آیه مورد بحث به وجود این امور قبل از نزول آب خبر می‌دهد. نمونه دیگری که از پذیرش این نظریه توسط مفسر محترم خبر می‌دهد تفسیری است که ذیل آیه «ألم نجعل الارض مهاداً» (نبأ / ۶) آورده و می‌نویسد:

زمین گهواره پرورش است، پرورش جسمی و نفسانی همه انواع زندگان ... ولی پرورش هر یک از انواع حیوانات از حد ظاهر جسمانی تجاوز نمی‌کند؛ زیرا قوای نفسانی و غرائز هر نوع یا فرد از حیوانات یا در همان زمان تکوین و ولادت نخستین متوقف می‌شود یا اندکی تکامل می‌یابد سپس متوقف [می‌شود] و یا بنا به نظریه تکامل تبدیل به نوع دیگر می‌شود. این تنها افراد و نوع انسان است که با حفظ صورت نوعی پیوسته در حال پرورش و تکامل می‌باشد و پایان عمر هر فردی - بر حسب استعدادها و عوامل طبیعی - پرورش کامل نسبی قوای عقلی و نفسانی او می‌باشد. همچنین تکامل مجموع انواع به نوع انسان منتهی می‌شود. (همان: ۵ / ۹)

بررسی و نقد

۱. در زیست‌شناسی بعد از نظریه تکامل، دیدگاه‌های جدی در مقابل آن مطرح شده است که نشان از نارسایی نظریه تکامل و عدم توان آن در ارائه توضیح علمی در آفرینش انواع دارد.
 ۲. برخی از زیست‌شناسان همچون بانوئه زیست‌شناس مشهور فرانسوی بر اساس اصل ثبات، اشکال نظریه داروین را به نقد کشیده‌اند. (نصر، ۱۳۸۸: ۱۱ - ۴)
 ۳. جهش‌های متاسیونی در یک نوع مشخص امری اثبات شده است. در واقع تکامل در میان انواع مشخص که به معنای تغییر در درون آن انواع است، مورد تأیید علم و حس قرار گرفته است. مثلاً از نسل گوسفندان معمولی ناگهان گوسفندی متولد می‌شود که پشم آن با پشم گوسفندان معمولی متفاوت است؛ یعنی بسیار لطیف‌تر و نرم‌تر می‌باشد و همان سرچشمه پیدایش نسلی در گوسفند به نام «گوسفند مرینوس» می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)
- این تکامل ارتباطی با مسئله تکامل داروینی، که در واقع نوعی انقلاب در انواع است؛ ندارد.

۴. آیات متعددی آفرینش انسان را مستقل از موجودات دیگر می‌داند. (انعام / ۹۸؛ نساء / ۱؛ اعراف / ۲۷ و ۱۶۹؛ زمر / ۶؛ یس / ۶۰؛ اسراء / ۷۰) با توجه به این آیات انطباق و تفسیر قطعی برخی دیگر از آیات بر اساس نظریه تکامل که حتی ظهوری بر مطلب ندارد، خروج از روش تفسیری قابل دفاع می‌باشد.

نمونه سوم؛ صاحب تفسیر پرتویی از قرآن در موارد متعدد، زمانی که در آیات سخن از آسمان‌های هفت‌گانه به میان می‌آید در توضیح و تفسیر آن تلاش می‌کند تا امور حسی مانند: کیهکشان‌ها یا سیارات منظومه شمسی را بر آنها تطبیق نماید. وی در توضیح آیه «فسواهن سبع سماوات...» (بقره / ۲۹) می‌نویسد:

... این آیه تنها اشاره و بیان نمونه نظم و اندازه‌ای است که به چشم عموم می‌آید و برای همه قابل درک است با این بیان می‌توان باور نمود که مقصود از هفت آسمان همان اختران منظومه شمسی جهان می‌باشد - چنان‌که گفته شد فلسفه و هیئت قدیم افلاک را نه‌گانه می‌دانست آن هم فرضی بود که برای همه قابل درک نبود چه رسد آنکه به چشم آید - گو این که دو سیاره دیگر هم کشف شده‌اند ولی آن دو به چشم و نظر نمی‌آید و کشف آن دو هم پس آن بود که معلوم شد آفتاب مرکز و ماه تابع زمین است پس با کشف این دو سیاره باز عدد هفت بر جای خود قرار دارد که از این قرار است: عطارد، زهره و ...

ایشان در ادامه می‌نویسد:

در اینجا هم می‌شود مقصود همین جهات ظاهری و سیارات باشد - چنانچه بیان شد - می‌شود طبقات جوی مقصود باشد، شاید آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ اِلٰى السَّمَاوٰتِ وَهِيَ دُخَانٌ» اشاره به همین باشد که پس از تکوین و بسته شدن طبقات جو محیط به زمین را که به صورت دود بود تسویه و تدبیر نمود و آن را هفت طبقه محیط بر زمین گردانید گرچه اختلاف طبقات جوی مسلم است ولی عدد طبقات هنوز معلوم نیست ...

ایشان ادامه مطلب را به تفسیر عرفانی آیه می‌کشاند و بعد از ذکر مطالبی از عرفا و بیان اینکه مقصود تسویه باطنی و آسمان سر انسانی است، می‌نویسد:

این بیان و احتمال هم با «ثم الیه راجعون» متناسب است؛ زیرا رجوع همان پیمودن مراتب تکامل نفسانی و عقلی می‌باشد هم با «خلق لکم» که چون زمین به وجود انسان منتهی گردید به مراتب معنوی و تسویه آن توجه نمود و از ظاهر به باطن پرداخت چه انسان غایت خلقت زمین و درجات کمال عقلی غایت وجود آدمی است. (همان، ۱ / ۱۱۱ - ۱۱۰)

بررسی و نقد

کلمه «سما» در سه حوزه، لغت، علم و دین، در معانی خاصی استعمال شده است. در لغت به معنای بالا و در علم فیزیک جدید چنین تعریف شده است:

پدیده‌ای نابوده [معدوم] و گنبدنما که زمینه دیدن سیارات و ستارگان است. (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۴: ۸۷ - ۸۶)

واژه سما در قرآن در معانی متعددی همچون؛ جهت بالا، جو زمین، مقام قرب و حضور به کار رفته است. (ابراهیم / ۲۴؛ ق / ۹؛ سجده / ۵) از نظر قرآن وجود هفت آسمان امری مسلم و آیات متعددی بر آن دلالت می‌کند. (اسراء / ۴۴؛ مؤمنون / ۸۶)

تفسیر سبع سماوات به سیارات منظومه شمسی و خارج نمودن دو سیاره ناپیدای آن با این استدلال که آیه به دنبال بیان مطلبی است که قابل فهم مخاطب باشد، باعث عرفی شدن معارف قرآن شده و مطالب آن را از واقع‌گویی دور می‌سازد.

از طرفی نیز با پیشرفت علم نجوم مشخص گردید سیارات منظومه شمسی بیش از مقادیر گفته شده در نجوم قدیم است. با توجه به غیرعلمی بودن این تفسیر، مفسران معاصر تفاسیر جدیدی را در ذیل آیات مذکور ارائه داده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۶ / ۲۴۷؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۶۵)

نکته قابل توجه دیگر اینکه جمله «ثم الیه راجعون» که مصنف به آن بر مطلبی عرفانی استدلال می‌کند در ذیل آیه قبل آمده است و به آفرینش انسان‌ها و میراندن آنها و دوباره زنده کردنشان اشاره دارد. درحالی‌که آیه مورد بحث از آفرینش زمین برای بهره‌مندی انسان

از آن و آفرینش آسمان‌های هفت‌گانه سخن به میان می‌آورد و با جمله «و هو بکل شیء علیم» پایان می‌پذیرد.

۲. تطبیق و تحمیل نابجا

نمونه‌هایی که ذیل این عنوان آورده می‌شود مواردی است که نویسنده محترم در تفسیر خود اقدام به تحمیل دیدگاه خاص بر آیه و یا تبیین آیه توسط یک احتمال علمی نموده و از احتمالات دیگر و یا ذکر منابع قابل اعتماد برای آن احتمال علمی خودداری می‌کند.

نمونه اول؛ در ذیل آیه «أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا...» از چگونگی گسترش آسمان و پیدایش کهکشان‌ها سخن رانده است و بدون توجه به تفاسیر دیگر آیه (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶ / ۹۹) آن را مطابق آخرین دستاوردهای علمی دانسته و می‌نویسد:

این نسبت به اعتبار دید آدمی است که از پایین نسبی به آسمان و اقطار آن می‌نگرد. از جهت واقع قطر جهان جهت خاصی ندارد. فعل رفع نیز به همین اعتبار است. بنابراین مقصود گسترش قطر جهان در همه جهات است و آمدن «رفع سمک‌ها» پس از «بناها» بدون فاصله حرف ربط و نسبت رفع به سمک مبین این حقیقت است که ساختمان اولی به صورت سمک - اقطار - در آمده و با ساختمان آن جسم قطور یا پیوسته به آن اقطارش بالا رفته و به هر سو گسترده شده که مطابق یا مشابه آخرین نظریه‌ای است که محققین درباره ساختمان اولی جهان کشف کرده‌اند. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۵ / ۹۹)

بررسی و نقد

ایشان در ادامه با بیان نظریه مذکور تأکید می‌کند سمک همان ساختمان اولی است که ارتفاع (گسترش) یافته و همین گسترش، منشأ پیدایش و جدا شدن کهکشان‌ها و ستارگان گشته است. این اقطار جدا شده به تصویر و تخیل محدود و نامگذاری‌های بشری، کهکشان‌ها و سحابی‌ها نامیده شده است. وی در ادامه آیات سوره به چگونگی پیدایش شب و روز پرداخته آن را نیز با دیدگاه جرج گاموف منطبق می‌کند و از ذکر احتمالات دیگر و یا از انطباق احتمالی این فرضیه بر آیه سخن نمی‌گوید. حال آنکه در تفسیر علمی جزم‌گویی با وجود این که ادعای علمی به صورت قانون علمی در نیامده تطبیق را به تفسیر به رأی نزدیک می‌کند.

نمونه دوم؛ در توضیح چگونگی آفرینش اولیه در ذیل آیه «... وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» و همچنین ترتیب آفرینش بر اساس چینش کلمات آیه می‌نویسد:

«تصریف الریاح» شاید اضافه مصدر به مفعول و فاعل آن الله باشد و به هر سو گرداندن خدا باده‌ها را و شاید که اضافه به فاعل و مفعول آن مقدر باشد: گرداندن باده‌ها ابرها، هواها، آب‌ها، گیاه‌ها و هرچه باده‌ها در آن تصرف نماید و انسان با پیشرفت علم دریابد و کشف نماید آنچنان‌که کلمه تصریف می‌رساند. اگر ترتیب ذکر این آیات ناظر به ترتیب در تحولات و تکوین باشد شاید بعد از گذشت زمان‌هایی که جو زمین دچار طوفان‌ها بوده و زمین برای بروز حیات آماده شده بادهای استوایی و قطبی به جریان و تصریف و تصرف در آمده [است]. «السحاب المسخر» از آثار بارز «تصریف الریاح» است ... (همان: ۲ / ۳۴)

مفسر محترم در اینجا نیز صرفاً بر اساس یک احتمال به تفسیر آیه می‌پردازد و اشاره‌ای به احتمالات دیگر نمی‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۵۵۷) و بدون ذکر دلیل یا مؤیدی مطلب را رها می‌کند.

نمونه سوم؛ مفسر در قسمت‌هایی از تفسیر با توجه به موضوع آیات از علم پزشکی برای تبیین مفاد آیه استفاده می‌کند. این اقدام گرچه در جای خود مطلبی بایسته و قابل دقت است اما با توجه به حساسیت تفسیر علمی لازم است این استفاده‌ها مبتنی بر منابع علمی معتبر باشد. این در حالی است که مفسر در این مواقع بدون ذکر دلیل معتبر یا منبع خاصی مطلب را با بیان نوعی استبعاد مدلل می‌کند. ایشان در ذیل آیه «إِذَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَيْزِيرِ...» می‌نویسد:

حکمت تحریم این موارد را باید در آثار روحی و اخلاقی یا جسمی آنها بررسی نمود؛ چرا نباید پذیرفت که نسوج بدنی هرگونه حیوانی ترکیب خاصی دارد که ناشی از خلیات و غرایز بارزی است که مکمون در اصل تکوین آن بوده است. آنچنان‌که اعضا و جوارح هر حیوانی مظهر غرایز اصلی آن است و نیز هرگونه غذای حیوانی یا گیاهی و نوع ترکیبات آنها اثر خاصی در تکوین و ترکیب نسوج بدنی و خلقی انسان دارد که پدیده قابل تحول در همه جهات است و مجموع این آثار زمینه چگونگی اخلاق و اندیشه را فراهم می‌سازد. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۲ / ۴۵)

وی در ذیل آیه «يَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...» از همین روش بهره جسته و برای روشن ساختن این مطلب که ساختمان وجودی زن اعم از روحيات و خلیقات و ترکیب اندام و ظاهر زن محل مناسبی برای پذیرش بذر انسانی و پرورش جنین است، چنین استدلال می‌کند:

این تعبیر قرآن - حرث لکم - جامع و مطابق با واقع است. همه جهازات در منی و نمای بیرونی زن کشتزار پر مایه‌ای برای پذیرایی و پرورش بذر انسانی است. از دستگاه مغز و اعصاب و خون و نسوج رگ‌ها و عضلات و ... در واقع سراسر ساختمان درونی و بیرونی و اخلاقی زن پیرامون جهاز رحم تشکیل شده و پیوسته از وضع و تغییرات آن متأثر است؛ چنانکه زنان بی‌شوهر و نازا وضع جسمیشان دگرگون است ... (همان: ۱۳۴ / ۲)

بررسی و نقد

اینکه سراسر ساختمان درونی، بیرونی و اخلاقی زن پیرامون جهاز رحم است و زن از تغییرات آن متأثر است نیازمند دلیل روشن و منبع معتبر می‌باشد و صرفاً آوردن شاهد عرفی در مورد زنان بی‌همسر و نازا مطلبی را اثبات نمی‌کند.

نمونه چهارم؛ از دیگر آسیب‌ها در تفسیر پرتوی از قرآن می‌توان به توسعه معنایی بدون در نظر گرفتن لفظ و معنای آن نام برد.

مفسر در ذیل آیه «إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» با یک توسعه معنایی در مفهوم تقوا می‌نویسد:

با در نظر گرفتن معنای عام لغوی واژه متقی که به معنای اتخاذ وقایه - حافظ و نگهبان گرفتن - است این حکم و قانون در زندگی حیوانات بلکه مصنوعات ماشینی نیز صدق می‌کند؛ زیرا رساندن به مقصد - فوز بدان - که یک علت غایی این‌گونه مصنوعات است، بدون داشتن دستگاه نگاه‌دار - ترمز - متناسب میسر نیست هر چند دستگاه و ابزار دیگر آنها کامل و مجهز باشد. (همان: ۵۳ / ۵)

بررسی و نقد

با توجه به این نکته که واژه تقوا در قرآن تبدیل به یک حقیقت معنایی گشته و فرد متقی مصادیق خاص خود را پیدا کرده چنین توسعه معنایی قابل پذیرش نیست. گرچه در یک

مفهوم فرا آیه‌ای و همراه با تنقیح مناط می‌توان توسعه مذکور را پذیرفت که در این صورت لازم است به آن تذکر داده شود.

ایشان در ذیل آیات نخست سوره نازعات «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَالسَّاجِدَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا * فَأَلْمَدُ بَرَاتٍ أَمْرًا» نیز چنین توسعه معنایی را به کار می‌گیرد و بعد از رد مصادیق طرح شده در دیگر تفاسیر مدعی می‌شود که آیات این سوره به بیان مصادیق عصر حاضر اشاره دارد:

اگر مفسرین این آیات نظر خود را از عالم غیر مشهود به عالم مشهود تنزل می‌دادند برای مردمی که این شواهد و سوگندها متوجه به آنها می‌باشد مشهود بود و اشکالات اشاره شده پیش نمی‌آمد. اگر هم مقصود این آیات موصوف‌های غیر مشهود باشد باز از طریق نظر به مشهودات می‌توان آنها را شناخت. با توجه به الفاظ خاص و کلمات و اوزانی که در این آیه آمده آشکار است که آن سوگندها ناظر به انواع یا مراحل حرکات یا متحرکات از جهت حرکت می‌باشد. (همان: ۵ / ۷۴)

در ادامه مصادیق متنوعی مانند: هواپیما، وسایل نقلیه صنعتی، حرکات عوامل طبیعی مثل: ابر، هوا، جنبش حیاتی در گیاه و حیوان، جنبش‌ها و انگیزه‌های ارادی که منشأ حرکات انسان است و ... برمی‌شمرد و با صفات و عناوین طرح شده در آیه تطبیق می‌دهد و عدم ذکر موصوف در آیه را دلیل این توسعه می‌داند.

بررسی و نقد

یاد کرد سوگند به امور نامحسوس در قرآن امری متداول می‌باشد، (بنگرید به: صافات / ۵۶؛ یوسف / ۷۳ و ۸۵) از ویژگی‌های مهم قرآن مسئله جری و تطبیق آن است، مسئله‌ای که بر اساس روایات عاملی برای ماندگاری و جاودانگی آن می‌باشد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۲ - ۲۱) در این باره نکته‌ای که نباید مورد غفلت واقع شود عدم انحصار این مصادیق در دوره یا زمان خاص و حتی مادی یا معنوی آن است چه، خداوند دارای صفت حکمت و علم نامحدود است که همین ویژگی باعث شده است در استفاده از واژگان نگاهی جامع و فراگیر داشته باشد. این

ویژگی سبب شده است برخی اصولیون و دانشمندان اسلامی استعمال لفظ در بیش از یک معنا را از طرف فرد حکیم بپذیرند. (همدانی، بی تا: ۱۵۴)

نکته پایانی اینکه با وجود آسیب‌های گفته شده تفسیر پرتوی از قرآن با متنی زیبا و جذاب به ارائه مطلب پرداخته و با ذکر مطالب مفید علمی و اجتماعی تفسیری نو را عرضه کرده است.

نتیجه

گرچه تفسیر پرتوی از قرآن دارای نقاط قوت زیادی است ولی در مواردی نیز در تفسیر علمی آیات دچار آسیب‌های روش شناختی و اتخاذ مبانی اثبات نشده و تطبیق‌های بدون دلیل گزاره‌های علمی بر آیات شده است که نمونه‌هایی از آن در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

۱. اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۸۹، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. اسکندرانی، محمد بن احمد، بی تا، کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فیما یتعلق بالاجرام السماویة، قاهره، رکابی.
۳. جعفریان، رسول، ۱۳۸۵، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، قم، ناشر مؤلف.
۴. خرماهی، بهاء‌الدین، ۱۳۶۴، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۵، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، اسوه.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۵، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، انتشارات تفسیر و علوم قرآنی.
۷. سرسید احمدخان، بی تا، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، شرکت تضامنی.
۸. طالقانی، سید محمود، ۱۳۴۸، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۴ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
۱۰. طنطاوی جوهری، بی‌تا، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، دمشق، دار الفکر.
۱۱. عمر ابو حجر، احمد، ۱۴۱۱ق، *التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان*، دمشق، دار القتیبه.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
۱۳. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. نفیسی، شادی، ۱۳۷۹، *عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. نوفل، عبدالرزاق، ۱۳۹۳ق، *القرآن و العلم الحدیث*، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۷. الهمدانی، عبدالجبار بن احمد، بی‌تا، *مثنابه القرآن*، القاهره، مکتبه دار التراث.

ب) مقالات

۱. جمعی از صاحب نظران، ۱۳۷۴، «اقتراح پیرامون بایسته‌های پژوهشی قرآنی»، *مجله بینات*، ش ۸، ص ۸۷-۸۶، قم، ۱۳۷۳.
۲. کلاتنری، ابراهیم و روح‌الله رضایی، ۱۳۸۹، «قرآن و رویکردهای جدید به نظریه تکامل»، *مجله قرآن و علم*، ش ۶، ص ۱۵، قم، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی علیه‌السلام.
۳. نصر، سید حسین، ۱۳۸۸، «نقد نظریه تکاملی داروین»، *مجله رشد آموزش معارف اسلامی*، ش ۷۲، تهران.
۴. نصیری، علی، ۱۳۸۶، «رویکرد علمی به قرآن»، *مجله قرآن و علم*، ش ۱، ص ۱۷، قم، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی علیه‌السلام.

